

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

قول سوم: تفصیل بین فائتة اليوم و غیر فائتة اليوم

بحث در فرمایش مرحوم شیخ اعظم انصاری (اعلی الله مقامه الشریف) در قول سوم بود. عرض شد: قول سوم تفصیل بین «فائتة همان روز و فائتة سایر ایام» می باشد؛ مثلاً اگر نماز امروز قضاء شده است قائل به مضایقه شویم «سواءً اتحدت أو تعددت»، اما اگر نماز برای روزهای گذشته است قائل به مواسعه شویم؛ مواسعه، یعنی در ابتداء نماز امروز را انجام دهید سپس باقی را قضاء کنی.

پس از نقل این تفصیل فرمودند: در رأس این قول مرحوم علامه در کتاب «مختلف» است. اما علامه دو عبارت دارد:

- یک عبارت علامه ظهور در همین تفصیل دارد.
- عبارت دوم که در عدول از حاضره به فائتة است، از آن عبارت مواسعه مطلقه فهمیده می شود. بعد هم فرمودند: البته جناب علامه در کتاب «المسائل المدنية» تصریح به عدول دارند.

در نتیجه شیخ می فرماید: قول علامه را نمی توانیم در زمره ی قائلین به این قول تفصیل قرار دهیم. «لذا علامه هم از قائلین به مواسعه مطلق است».

بررسی عبارات شیخ انصاری

مرحوم شیخ در ادامه می فرماید: علامه در تفصیلی که بیان کرد، یک مورد را متعرض نشده است و آن جایی می باشد که کسی هم «فائتة اليوم» بر عهده دارد و هم فائتة ایام سابق بر عهده او هست. در این هنگام تکلیف او چیست؟

بیان سه احتمال شیخ در مسئله

مرحوم شیخ انصاری فرمودند: در این مسئله سه احتمال وجود دارد:

1. احتمال اول این بود که: در ابتداء فوائت را انجام دهد و بعد حاضره را امتثال کند. در فوائت هم بین فائتة همان روز و فائتة سایر ایام ترتیب رعایت شود. که مقصود از ترتیب این می باشد که در ابتداء فائتة همان روز را بیاورد سپس فائتة ی ایام را انجام دهد.
2. احتمال دوم این است که: «أو لا يجب الاشتغال [ابتداءً] بشيء حينئذ، لعدم التمكن من فعلها إلا بعد ما أذن في تأخيرها»؛ یعنی ابتداء به هیچ یک از موارد واجب نیست؛ یعنی نه ابتداء به حاضره، نه فائتة اليوم و نه فائتة قبل اليوم، جلسه قبل هم بیان شد: «لا يجب الاشتغال بشيء»، واژه ی «بشيء» سه مصداق دارد:

- مصداق اول حاضره است.

- مصداق دوم «فائتة اليوم» می باشد.
- مورد سوم فوائت روزهای قبل خواهد بود.

مقصود از «الاشتغال» اشتغال ابتدایی می باشد. اشتغال ابتداءً به هیچ یک واجب نیست؛ یعنی نمی توانیم بگوئیم: ابتداءً «فائتة اليوم» را انجام دهید، سپس حاضره و بعد فوائت روز قبل را امتثال کنید، یا ابتداءً فوائت روز قبل را بیاور و بعد حاضره را و ... در عبارت «لا يجب الاشتغال بشيء» نمی توانیم بگوئیم: این «بشيء» سه مورد را شامل می شود. دلیل نتوانستن این است که: «لعدم التمكن من فعلها [شيء]»، شخص تمکن شرعی از انجام هر سه مورد را ندارد؛ لذا این تمکن را زمانی پیدا می کند که: «إلا بعد ما أذن في تأخيرها»، وقتی تمکن پیدا می کنید یک فعلی را انجام بدهید و اطاعت کنید، که اذن در تأخیر آن داده شده باشد.

بعد این مطلب را شیخ نیاورده است، آنچه شیخ بیان نکرده این است که: هیچ قرینه ای برای اینکه در این هنگام اذن در تأخیر کدام مورد و لزوم تقدیم کدام مورد، ما نداریم. یعنی یک زمانی هست که می گفتیم: در این موقع اذن داده شده که «فوائت اليوم» مؤخر باشد، در نتیجه حتماً باید حاضره مقدم باشد، اذن داده فوائت سایر ایام مؤخر باشد، می گفتیم: «فائتة اليوم» باید مقدم باشد، تمکن بعد از اذن در تأخیر است.

«و بما أنَّ الأذن في التأخير غير معلوم لا يجب الاشتغال ابتداءً بشيء»، هر کدام را خواست انجام دهد؛ یعنی طبق احتمال دوم این شخص هر کدام را که می خواهد انجام دهد، خواه اول فوائت روزهای قبل را بیاورد، یا اول حاضره، یا «فائتة اليوم» را انجام دهد، هر کدام را خواست بیاورد. این معنایی است که ما برای عبارت کردیم و به نظر ما اینگونه فهمیده می شود.

مرحوم شیخ عبارت دیگری دارد و می فرماید: کلام مرحوم علامه در مختلف یک اطلاقی دارد که از آن اطلاق استفاده می شود که: اگر کسی بیش از یک روز نماز قضاء واجب داشته باشد، ترتیب لازم نیست. اطلاق، یعنی اینکه بگوئیم: حتی ترتیب بین «فائتة اليوم» و حاضره ای امروز هم لازم نیست؛ به عبارت دیگر بگوئیم: علامه، چون برخی از فقهاء دیگر هم این عبارت را دارند، علامه می گوید: اگر کسی امروز فقط فائتة دارد، ما قائل می شویم: تقدیم فائتة بر حاضره در امروز لازم است، در این هنگام ترتیب را لازم می دانند؛ اما اگر بر کسی بیش از یک روز قضاء بود اصلاً ترتیب مطلقاً از بین می رود؛ یعنی حتی بین فائتة یوم و حاضره ترتیبی نیست در نتیجه الآن می تواند اول حاضره را بخواند و بعد «فائتة اليوم» را بخواند. بعد این هم مؤید احتمال دوم می شود.

در احتمال دوم این بود که: «أو لا يجب الاشتغال [ابتداءً] بشيء [یعنی نه به حاضره و نه به فائتة اليوم و نه فوائت روزهای قبل در نتیجه هر کدام را که خواست، انجام دهد و فرقی نمی کند] حینئذ».

0 یک دلیل این بود که: تمکن زمانی پیدا می کنیم که بعد از اذن در تأخیر باشد و در این فرض اذن در تأخیر نداریم، لذا هر کدام را که خواست انجام بدهد.

0 دلیل دوم این است که: اطلاق عبارت علامه است. یعنی شیخ می فرماید: علامه معتقد است که اگر کسی «عليه قضاء الصلاة أكثر من يوم»، در این هنگام ترتیب لازم نیست..

سپس مرحوم شیخ می فرماید: «إذا كان عليه أكثر من يوم فتأمل»؛ یعنی در عبارت علامه تأمل کنید و این اطلاق را که از عبارت علامه به دست آوردیم شما هم به دست بیاورید. چون این مقداری که ما عبارت علامه را خواندیم دلالت بر این فرمایش شیخ ندارد.

3. احتمال سوم جناب شیخ در کلام علامه: «أو يجب الاقتصار على فائتة اليوم» یعنی در ابتداء کسی که از روزهای گذشته نماز

قضاء بر عهده‌اش است و امروز هم چند نماز او قضاء شده است، الآن که می‌خواهد نماز مغرب و عشاء بخواند: اول فوائت الیوم را باید بخواند، چون «لدعوی اختصاص وجوب الترتیب بین الفوائت بما إذا كانت متساویة فی وجوب تدارکها فلا یعمّ ما إذا كان بعضها واجب التقدیم لأمر الشارع»، هدف ما این است که این نکات دقیق که در ذهن شیخ است در ضمن همین اقوال اشاره کرده و اینها در آینده برای ما بسیار مفید و لازم خواهد بود.

ترتیب در فوائت

یک مسئله وجود دارد که در میان فقهاء اختلافی می‌باشد، و آن مسئله این است که در فوائت آیا ترتیب لازم است؟

اگر فقیهی قائل به وجوب ترتیب شد، بیان می‌کنیم: وجوب ترتیب یک عنوان مشترکی بین همه فوائت است، و چه بسا بنا بر این بیان بگوئیم:

§ همانگونه که یک شخصی نماز ظهر و عصر او قضاء شده است، حال بعد از چند روز می‌خواهد قضاء کند، در ابتداء باید ظهر و سپس عصر را قضاء کند.

§ اول باید روز قبل را قضاء کند و بعد امروز را قضاء کند. این‌ها عنوان کلی است که در قضاء الفوائت وجود دارد.

اما این بر خلاف «فائتة الیوم» است، چرا که برای «فائتة الیوم» دلیل خاص هست و روایت خاص داریم که باید بر حاضره تقدیم شود و در گذشته هم شیخ به ما یاد داد: چه بسا تقدیم «فائتة الیوم» بر حاضره ربطی به مسئله ترتیب نداشته باشد؛ چه بسا ربطی به مسئله فوریت هم نداشته باشد. یک امری است که شارع فرمود: اگر کسی بر عهده او «فائتة الیوم» هست این را باید قبل از حاضره انجام دهد.

در نتیجه احتمال سوم این است که: «أو يجب الاقتصار»؛ یعنی اول این شخص در فرضی که فوائت امروز و روزهای گذشته و «فائتة الیوم» را می‌خواهد انجام دهد، اول باید «فائتة الیوم» را انجام دهد؛ چرا که «لدعوی اختصاص وجوب الترتیب بین الفوائت بما إذا كانت متساویة فی وجوب تدارکها»، یعنی فوائتی که در «وجوب التدارک» یک عنوان واحد دارند، «فوائت قبل الیوم»، کسی در روز قبل یا چند روز قبل همه موارد در یک عنوان مشترک هستند که قضاء بر او واجب است و ترتیب لازم است.

«فلا یعمّ ما إذا كان بعضها واجب التقدیم لأمر الشارع بالخصوص [که فائتة الیوم است]، خصوصاً لو قال بوجوب الفوریة فی فائتة الیوم، دون غیرها؟ [فوریت با ترتیب تفاوت دارد، فوریت یعنی در اولین زمان که یه یاد آورد باید بخواند] وجوه، لا یبعد أولها [در ابتداء فائتة سایر ایام، بعد فائتة یوم، سپس حاضره]، ثم ثالثها علی القول بالفوریة مع الترتیب»؛ یعنی اگر کسی گفت بین فائتة یوم و حاضره هم فوریت لازم است و هم ترتیبی شد، مسلماً احتمال سوم تعیین پیدا می‌کند.

پس تا به الان جناب شیخ انصاری، محقق صاحب شرایع را از تفصیلی‌ها خارج کرد چرا که به محقق نسبت داده شده که ایشان بین فائتة واحده و فائتة متعدده فرق گذاشته است، لذا در فائتة واحده قائل به مضایقه است و در فائتة متعدده مواسعه‌ای است. در نتیجه مرحوم شیخ، محقق را از زمره قائلین به تفصیل خارج کرد. علامه را هم که یک تفصیل مهم دیگری به او نسبت داده شده بود: بین «فائتة الیوم و غیر الیوم» خارج کرد و فرمود: که ایشان نیز قائل به مواسعه است.

قول چهارم: بیان محقق در العزیه

مرحوم شیخ می‌فرماید: «الرابع: ما حکي عن المحقق فی العزیه»، حال برخی فرمودند: محقق «المسائل العزیه» دارد و شیخ

مفید «القریة» دارد، خودتان هم این مطلب را دنبال کنید. اما قول چهارم: «حیث قال فی عنوان هذه المسئلة ما هذا لفظه»، یعنی بیان محل نزاع، محقق در «المسائل العزیه» فرمود: «و تحریر موضع النزاع أن نقول: صلاة كل يوم مترتبة بعضها على بعض، حاضرة كانت أو فائتة»، در نماز هر روزی خواه حاضره باشد یا فائتة باشد ترتیب وجود دارد «فلا یقدّم صلاة الظهر من يوم، على صبحه، و لا عصره على ظهره، و لا مغربه على عصره، و لا عشاؤه على مغربه، إلاّ مع تضییق الحاضرة»، مگر اینکه حاضره ضیق شود.

پس در «صلاة كل يوم» ترتیب وجود دارد و اگر امروز نماز قضاء داشت، در ابتداء قضاء را بخواند؛ یعنی همانگونه که اداء نماز صبح بر اداء ظهر مقدم است، قضاء صبح هم بر قضاء ظهر مقدم است.

اما نماز قضاء روزهای قبل «و أمّا إذا فاتته صلوات من يوم، ثمّ ذكرها في وقت حاضرة من آخر»، مثلاً نماز، روز شنبه شخصی قضاء شده است و در روز دوشنبه به یاد آورد، «فهل يجب البدء بالفوائت ما لم يتضيّق الحاضرة؟» مادامیکه حاضره وقتش ضیق نشده است، ابتداء به فوائت لازم است؛ یعنی اول باید نماز قضاء روز شنبه را بخواند و بعد نماز اداء را بخواند؟

«قال اکثر الاصحاب نعم»، بعد می‌فرماید: «و قال الآخرون ترتب الفوائت فی الوقت الاختیاری ثم تقدم الحاضرة»، قول دوم این است که: بین وقت اختیاری و اضطراری فرق بگذاریم که راجع به اختیاری و اضطراری قبلاً توضیح مفصل دادیم و تکرار نمی‌کنیم.

بعد قول خودش این است که: «والذی یظهر لی وجوب تقديم الفائتة الواحدة»، باید فائتة‌ی واحده را مقدم کند، یعنی اگر از شنبه یک نماز قضاء شده است و امروز دوشنبه به یاد آورد باید مقدم کند، اما اگر شنبه دو یا سه نماز او قضاء شده است و امروز که دوشنبه است به یاد آورد، ترتیب لازم نیست، اما تقدیم فوائت مستحب است.

«فلو أتى بالحاضرة قبل تضییق وقتها و الحال هذه جاز» یعنی هنگامیکه چند نماز قضاء شده است، پس محقق در «المسائل العزیه» این نظر را داده است که واحده چه برای امروز باشد و چه مربوط به روزهای قبل باشد ترتیب لازم است اما در فوائت متعدده استحباب تقدیم دارد.

تا اینجا قبل از اینکه کلام شیخ را بخوانیم، اولاً: شیخ به عنوان قول رابع مطرح می‌کند، قول رابع را نسبت به صدر کلام بگوئیم که اکثر اصحاب گفته‌اند: در نماز «كل يوم» ترتیب لازم است. که شیخ همین را استفاده می‌کند و می‌فرماید: «و ظاهره عدم الخلاف فی وجوب الترتیب فی فوائت الیوم»، در فوائت یوم خلاقی نیست. اگر امروز کسی می‌خواهد نماز ظهر بخواند و نماز صبح او قضاء شده باشد، در ابتداء باید آن را بیاورد چون توضیح دادیم، «كل يوم حاضرة كانت أو فائتة» ترتیب لازم است، و شیخ می‌فرماید: ظاهر عبارت این است که: در وجوب ترتیب در فوائت امروز هیچ اختلافی بین فقهاء نیست.

بعد می‌فرماید: «و هو خلاف اطلاق کلمات ارباب القولین بل صریح بعضها».

«قولین» مواسعه‌ایهای مطلق و مضایقه‌ایهای مطلق است، قائلین به مواسعه مطلق می‌گویند: حتی نماز قضاء امروز هم ترتیب لازم نیست. کسی که مواسعه‌ای مطلق است می‌گوید: اگر نماز صبح امروز قضاء شد و به ظهر رسیدید، لازم نیست در مرحله اول نماز صبح را قضاء کنید.

قائلین به مضایقه مطلق نیز فرقی بین امروز و روز قبل نمی‌گذارند. در نتیجه می‌گویند: اگر کسی نماز قضاء بر عهده دارد، فوری است اگرچه نماز قضاء روزهای قبل باشد.

پس این مطلب که ظاهر عبارت محقق در «المسائل العزیه» است، بگوئیم: هم مواسعه‌ایها و هم مضایقه‌ایها صلاة قضاء امروز را در وجوب ترتیب خلاف ندارند، این برخلاف ارباب القولین است. شیخ هم می‌خواهد همین مطلب را در این هنگام مطرح کند و اگر نه خود نظریه محقق در «المسائل العزیه» همان است که در شرایع بیان کرد، «والذی یظهر لی» یک مطلب تازه‌ای نیست و همان است که در قول دوم به عنوان تفصیل اول از مرحوم محقق در شرایع و غیر شرایع مطرح شد، اما شیخ می‌فرماید: محقق یک ادعاء «عدم الخلاف» دارد، که این ادعاء صحیح نیست.

قول پنجم: بیان ابن ابی جمهور احسائی

قول پنجم برای ابن ابی جمهور احسائی است که تفصیل می‌دهد: «الخامس: ما عن ابن [أبي] جمهور الأحسائي من التفصيل بين الفائتة الواحدة، إذا ذكرها يوم الفوات»، اگر فائتة واحده بود، (تقریباً جمع بین تفصیل محقق و تفصیل علامه می‌کند)، اگر یوم واحده باشد آن هم «فی يوم الفوات» قائل به مضایقه شده است، اما اگر فائتة واحده برای «غیر يوم الفوات» یا متعدده برای «يوم الفوات» دون المتعددة و الواحدة المذكورة في غير يوم الفوات. بین الفائتة الواحدة اذا ذكرها يوم الفوات در این هنگام مضایقه نیست و قائل به مواسعه است. «دون المتعددة و الواحدة المذكورة في غير يوم الفوات».

قول ششم: بیان ابن حمزه

قول ششم: «السادس: القول بالمواسعة إذا فاتت عمداً، و بالمضايقة إذا فاتت نسياناً»، قول ابن حمزه در «الوسيلة» است. ابن حمزه بین فوت نسیانی و فوت عمدی فرق گذاشته است.

چکیده تفاسیل

تفصیل اول: فرق بین فائتة واحده و فائتة متعدده بود.

تفصیل دوم: تفاوت بین «فائتة اليوم و غیر فائتة اليوم» شد.

تفصیل سوم: «بین النسيان و العمد» است. می‌گوید: اگر کسی نماز او به جهت نسیان قضاء شد، فوراً انجام دهد چون قائل به مضایقه شده است؛ اما اگر شخصی عمداً نماز خود را قضاء کرد، در این هنگام قائل به مواسعه شده است. اگر کسی بخواهد حکمت این مطلب را دقت کند، آن کسی که فراموش کرده است، خداوند برای اینکه یک مقداری از آن فضائل و ثواب‌های نماز را به دست آورد، می‌فرماید: فوراً قضاء کن ثواب عمده را می‌دهم، اما آن کسی که عمداً نماز او فوت شده است هر زمانیکه خواست قضاء کند.

پس در مسئله دو فرض است:

1. کسی نسیاناً یادش رفته و فکر می‌کرد نماز خوانده و در آخر وقت متوجه شد که نماز نخوانده است.
2. شخصی عمداً نمازش را قضا کند.

ابن حمزه می‌فرماید: «حيث قال: أمّا قضاء الفرائض فلم يمنعه وقتٌ» هیچ وقتی مانع از او نیست یعنی قائل به توسعه است، «إلاّ تضيق وقت الحاضرة» مگر اینکه وقت حاضره ضیق شود؛ یعنی تنها جایی که نمی‌توانید قضاء را بخوانید، در جایی است که وقت حاضره ضیق می‌شود، «و هو ضربان، إمّا فائتة نسياناً، أو تركها قصداً اعتماداً [یعنی عمداً]، فإن فائتة نسياناً و ذكرها، فوقتها حين ذكرها [یعنی تا به یاد آورد باید بخواند] إلاّ [فرض اول] عند تضيق وقت الفريضة، فإن ذكرها [اگر فائتة را به یاد آورد] و هو في فريضة حاضرة، عدل بنيتها إليها ما لم يتضيق الوقت، [فرض دوم] و إن تركها قصداً [اگر کسی نماز خود را عمداً نخواند] جاز له الاشتغال بالقضاء إلى آخر الوقت [تا پایان وقت حاضره، فوریت نیست]، و الأفضل تقديم الحاضرة عليه، [در مورد این عبارت ابن حمزه مرحوم شیخ احتمالات متعددی می‌دهد این است که:] و إن لم يشتغل بالقضاء [اگر فوریت را اطاعت نکرد]، و أخر الأداء إلى آخر الوقت كان مخطئاً». [1]

اولاً: مرحوم شیخ می‌فرماید: اینکه ابن حمزه قائل است از حاضره به فائتة منسیه باید عدول کند، این به چه دلیل است؟

«و ظاهره وجوب العدول عن الحاضرة إلى الفائتة المنسيّة، و هو إمّا لاعتبار الترتيب [بين الفائتة والحاضرة]، أو لإيجاب المبادرة إلى المنسيّة، و إن ذكرها في أثناء الواجب و إن قلنا بعدم اعتبار الترتيب – بناء على القول بالفوريّة دون الترتيب [مرحوم شيخ مى خواهد بفهماند كه: مى شود قائل به فوريت شد اما فوريت را قبول نكرد] – كما سبق [2] عن صاحب رسالة هدية المؤمنين، و إمّا للدليل الخاصّ على وجوب العدول، و إن لم نقل بالترتيب و لا بالفوريّة، و هذا أردأ الاحتمالات، كما أنّ الأوّل [ابن حمزه كه مى گويد: بايد به فائتة عدول كند از باب وجوب ترتيب بين فائتة منسيه حال براى امروز باشد و يا براى روزهاى قبل باشد، بين فائتة منسيه و حاضره ترتيب لازم است] أقواها. [3]

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقى

[1] الوسيلة: ٨٤ مع اختلاف في العبارة.

[2] في القول الثاني المتقدم في الصفحة ٢٦٥.

[3] انصاری مرتضى بن محمدامين. 1414. رسائل فقهية (انصارى) (رسالة في الموسعة و المضائقة). قم – ايران: مجمع الفكر الإسلامى.